



● مهندس عباس عبدی

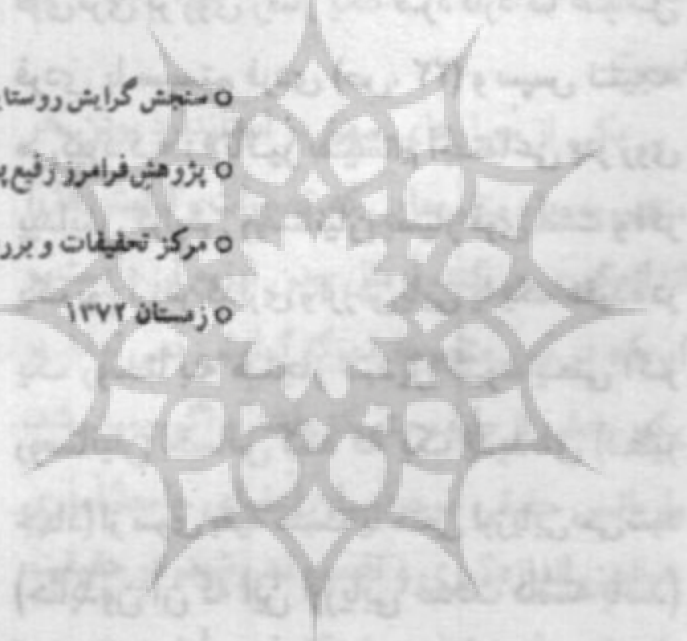
مقدمه

یکی از ویژگی‌های مهم تحقیقات اجتماعی در ایران عدم انتشار و در نتیجه، قابل دسترس نبودن آن‌هاست. به همین دلیل عموم پژوهش‌های انجام شده نمی‌توانند بر غنای علمی جامعه چیزی را بیفزایند و بدیهی است که اگر تراکم علمی حاصل نشود، روند رو به رشدی در کیفیت و محتوای پژوهش‌ها مشاهده نخواهد شد.

عدم انتشار پژوهش‌ها دلایل گوناگونی دارد، بی‌توجهی کارفرما و محرمانه تلقی کردن مفاد و نتایج تحقیق، بی‌ارزش تلقی کردن تحقیق از جانب کارفرما که صرفاً تحقیق را به عنوان مقوله‌ای زینت بخش اتاق کار می‌داند، حساس نبودن محقق در انتشار پژوهش که عموماً مربوط به بی‌انگیزه بودن آنان و نیز عدم اعتماد به صحت و درستی تحقیق و ترس از نقد است، و بالاخره به صرفه نبودن چاپ به صورت کتاب به لحاظ اقتصادی است.

آقای دکتر رفیع پور در میان پژوهشگران ایران این حُسن را دارد که هر دو تحقیق خودشان را به زیور طبع آراسته‌اند. قبلاً تحقیق «نیازهای روستایی» و اکنون نیز «سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی»؛ و این دینی است که

پژوهش‌های انجام شده نمی‌توانند بر غنای جامعه چیزی را بیفزایند و بدیهی است که اگر تراکم علمی حاصل نشود، روند رو به رشدی در کیفیت و محتوای پژوهش‌ها مشاهده نخواهد شد.



پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال علم علوم انسانی

ایشان برگردن علاقه‌مندان به جامعه‌شناسی و پژوهش‌های اجتماعی دارند و این دین را نمی‌توان ادا کرد، مگر با نقدی درخور و شایسته. این حق نویسنده برخورداراننده است که اگر نقدی دارد منعکس کند، زیرا محقق خوب نه تنها از نقد ناراحت نمی‌شود که سپاسگزار هم خواهد بود.

اینجانب یک بار دین خویش را نسبت به ایشان ادا کردم و نقدی را تحت عنوان «شروعی خوب، پایانی بد(۱)» بر کتاب «جامعه روستایی و نیازهای آن» نوشتم و اکنون که ایشان مجدداً تحقیق دیگری را چاپ کرده‌اند وظیفه نقد مجددی را احساس می‌کنم. البته این نقدها به معنای مصون بودن دیگران از خطاهای پژوهشی نیست، چرا که دیگران کمتر توفیق یا شهادت آن را

سنجش پژوهش

- سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی
- پژوهش فرامرز رفیع پور
- مرکز تحقیقات و بررسی روستایی
- زمستان ۱۳۷۲

داشته‌اند که آثار خود را در زمینه‌های پژوهشی عرضه کنند.

۱- معرفی

این پژوهش با این دستور وزیر جهاد سازندگی در سال ۱۳۶۸ آغاز می‌شود که: «ببینید، نظر روستائیان راجع به جهاد چیست». در مراحل بعدی این دستور به چند سؤال تجزیه شده است که: جهاد چقدر توانسته رضایت روستائیان را جلب کند؟ چه عواملی بر گرایش روستائیان نسبت به جهاد مؤثرند؟

اگر این گرایش در حد انتظار و رضایت‌آمیز نیست. علت‌ها کدامند؟ و بالاخره برای جلب و حفظ رضایت روستائیان چه باید کرد و چگونه عدل

نمود؟ (ص «ج» کتاب)

محقق سپس به تبیین اهمیت موضوع می‌پردازد و یادآور می‌شود که وزیر جهاد در هنگام طرح مسأله تحقیق اعلام می‌کند که «مصمم هستیم یک افکار سنجی قابل اطمینان نه تعارف‌آمیز و پُرشانابه داشته باشیم» (ص، ۳). در ادامه، محقق محترم چهارچوب تئوریکی را تشریح می‌کند و با تعریف و تحدید واژه گرایش دو تعریف را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد و بر مبنای آن‌ها «گرایش» را عبارت از نوعی آمادگی فکری و اعصابی (احساسی) تعریف می‌کند که به وسیله تجربه سازماندهی می‌شود و بر روی عکس‌العمل‌های انسانی نسبت به کلیه پدیده‌ها و وضعیت‌هایی که با او سر و کار دارد، تأثیری جهت

● یکی از ویژگی‌های مهم تحقیقات اجتماعی در ایران عدم انتشار و در نتیجه، قابل دسترس نبودن آن‌هاست.

● در این پژوهش هم، مشکل نمونه‌گیری خود را نشان داده است.

دهنده و پویا می‌گذارد (ص، ۶). وی سپس به تفاوت میان واژه‌های «نگرش»، «گرایش»، «پیشداوری» و «رفتارهای قالبی» می‌پردازد و در ادامه، تئوری‌های «گرایش» را بررسی می‌کند.

اولین تئوری توضیح می‌دهد که بروز هر رفتار متأثر از قصد و نیت است که آن نیز از دو متغیر گرایش، به عنوان یک متغیر فردی و نیز هنجار ذهنی به عنوان منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی است که این دو متغیر نیز بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. در این تئوری، گرایش تابع دو عامل «انتظار فایده» و «ارزیابی فایده» معرفی شده است. همچنین هنجار ذهنی نیز به عنوان منعکس‌کننده نفوذ و فشار اجتماعی، تابع انتظار دیگران و انگیزه پیروی از انتظارات دیگران است. (صص، ۹-۱۱)

در تئوری دیگر «پذیرش اجتماعی» با تکیه بر گروه مرجع به عنوان یک عامل مؤثر در بروز گرایش‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرد (ص، ۱۲) این امر هنگامی اهمیت می‌یابد که محقق «روستا» را

دارای خصوصیات یک گروه اجتماعی معرفی می‌کند و در نتیجه، آن را به عنوان یک گروه مرجع بر پیدایش گرایش افراد مؤثر می‌داند. به طور کلی، نویسنده معتقد است که محیط و شرایط روستا سبب می‌شود که روستائیان نه تنها به علت درک فایده یا ترس از مجازات، از هنجارها پیروی کنند، بلکه نیاز به ایمنی (مانند اکثریت بودن امنیت بیشتری می‌آورد) و احساس محرومیت نسبی (عقب نماندن از دیگران) هم سبب فشار هنجاری برای هم‌شکلی رفتاری روستائیان می‌شود در حالی که این مسأله در شهرها چندان وجود ندارد به همین دلیل محقق محترم، نقل قول می‌کند که در یک روستا عوامل یا سیستم اجتماعی تأثیر بسیار قوی‌تری بر روی رفتار یک فرد دارد تا عوامل فردی یا سیستم فردی (ص، ۲۲) و سپس نتیجه می‌گیرد که: «تأثیر سیستم اجتماعی بر روی پیدایش گرایش روستائیان بسیار قوی است و اگر یک نوع ارزش‌گذاری و ارزش‌یابی یا یک عقیده در یک روستا به هنجار تبدیل شود، یعنی اگر روستائیان احساس کنند که یک پدیده‌ای (نظیر جهاد) از سوی بقیه مثبت یا منفی ارزیابی می‌شود (حتابدون آن که این ارزیابی صحت داشته باشد) آن‌ها نیز ارزیابی را پذیرفته، درونی کرده و ارزیابی خود را با آن وفق می‌دهند» (ص، ۲۲)

محقق در ادامه توضیح می‌دهد که علاوه بر متغیرهای ذکر شده در تئوری‌های فوق می‌دانیم که گرایش تابع عوامل دیگر نیز می‌باشد. مثلاً می‌توانیم حدس بزنیم که افراد جوان یا افراد ثروتمند، یا افراد انقلابی یا ضد انقلابی هر یک ممکن است گرایش‌های متفاوتی نسبت به جهاد داشته باشند (ص، ۲۲) و به دنبال این نظر، چند دسته از متغیرها را به عنوان متغیرهایی که می‌تواند توجه به آن‌ها مفید باشد ذکر می‌کند (ص، ۲۲) و در نهایت متذکر می‌شود که الگوی بهتر برای شناخت موضوع این است که ابتدا متغیرها در دو گروه مربوط به جهاد و روستائیان تقسیم شوند، که متغیرهای مربوط به روستائیان شامل خصوصیات فردی، روستا، اجتماعی و فرهنگی بوده و متغیرهای مربوط به جهاد نیز شامل متغیرهای فردی (جهادگر)، سازمانی و اجتماعی فرهنگی است.

محقق محترم، سپس به روش بیان تحقیق پرداخته و با تکرار مطالب گرایش‌سنجی و توضیح پژوهش‌ها و طیف‌های گوتمن، یوگاردوس، لیکرت و شرح مبسوطی را در این قسمت می‌دهد و به مسایل سنجش گرایش در ایران، در مقایسه با کشورهای غربی، می‌پردازد و برای سنجش ارزیابی فایده تحقیق چندین گویه را از طریق طیف گوتمن و برش قطبین توضیح می‌دهد و به دنبال آن گویه‌هایی که اندازه‌گیری‌کننده انتظار فایده و ارزیابی شخص جهادگر و سنجش وابستگی در شبکه روابط اجتماعی و انگیزه برای پیروی از انتظارات دیگران است تشریح می‌شوند. در پایان، متغیرهای مورد بررسی به صورت تصویر نمایش داده (ص، ۵۰) و در مرحله بعد نیز چگونگی تنظیم پرسش‌نامه، آموزش پرسشگران، انتخاب استان‌های مورد مطالعه و انتخاب روستاها و روستائیان توضیح داده می‌شود. در فصل بعد نیز یافته‌ها را ارائه نموده و بخش پایانی نیز شامل خلاصه مطالب و پیشنهادها است.

عوامل مؤثر بر گرایش روستائیان به جهاد به شرح خلاصه بدین صورت است که: عوامل محیطی عموماً رابطه معنی‌داری با گرایش نشان نمی‌دهد (به جز این که سه استان مورد مطالعه با یکدیگر از این نظر متفاوت هستند) به عبارت دیگر، چه در روستاهای دور و چه نزدیک و قابل دسترسی، چه در روستاهای با تسهیلات عمرانی زیاد و چه در روستاهای محروم و چه در روستاهای با بنیه کشاورزی قوی و چه ضعیف گرایش نسبت به جهاد به یک اندازه (مثبت یا منفی) بوده است. (ص، ۲۰۰)

● به علت فقدان پیشینه قوی پژوهش‌های اجتماعی و تحقیقات بنیادی بسیاری از متغیرهای اجتماعی در ایران استاندارد شده نیستند.

عوامل فردی نظیر سن، وضعیت خانوادگی، آگاهی، وضعیت اقتصادی، نیازها و ارزش‌ها، با آن که با زحمت زیاد سنجیده شدند اما رابطه معنی‌داری با گرایش نشان نمی‌دهند. این عوامل تقریباً

هیچ‌گونه تأثیری بر روی گرایش ندارند. با این حال کسانی که از همسران‌شان، از وضعیت شغلی و اقتصادی و از زندگی خود یا از شوراهای اسلامی روستا راضی بودند گرایش مثبت‌تری نسبت به جهاد داشتند.

همچنین کسانی که از مسئولین کشور راضی بودند، ارزیابی بهتری از جهاد داشتند. از سوی دیگر

● در جداول رگرسیونی معلوم نیست چرا تعداد از مودنی‌ها به شدت کاهش پیدا کرده است.

● عمده اشکالات وارد بر پژوهش در «روش تحقیق» است که در دو قسمت شاخص‌سازی و نوع متغیر می‌توان آن را خلاصه کرد.

تعداد فعالیت‌های عمرانی جهاد هم بر گرایش روستائیان تأثیر نداشته است، و به عبارت دیگر چه جهاد بیشتر کار کرده باشد و چه کمتر، تأثیری بر گرایش روستائیان ندارد، ولی وقوف و آگاهی مردم از این فعالیت‌ها سبب ارزیابی مثبت‌تر از جهاد شده است (صص ۲۰۱ و ۲۰۲) و بالاخره میزان مشارکت روستائیان در اجرای پروژه‌ها تأثیر مثبتی بر گرایش داشته است. (همان)

لازم به ذکر است که نتایج فوق الزاماً در جداول بدست آمده وجود ندارد، به ویژه دو مورد اخیر یعنی «میزان وقوف» و «مشارکت» نیز در جداول رگرسیونی فاقد رابطه معنی‌داری با گرایش به جهاد هستند، و معلوم نیست محقق محترم آن‌ها را چگونه استنتاج کرده‌اند؟ (رجوع شود به جدول ۵۷ تا ۶۰)

۲- نقد

پژوهش حاضر از چند جنبه کلی نقد می‌شود، و حتی المقدور برای پرهیز از طولانی شدن مطالب از ذکر جزئیات اجتناب می‌شود به ویژه این که اگر به اجزاء پرداخته شود، ممکن است انتقادهای کلی و اساسی در حاشیه قرار گیرد. همچنین از نقد بخش نظریه آن اجتناب می‌شود که محل مناقشه است. عمده اشکالات وارد بر پژوهش در روش تحقیق است، که در دو قسمت «شاخص‌سازی» و

نوع متغیر» می‌توان آن را خلاصه کرد.

۱-۲- شاخص‌سازی

هنگام مطالعه پژوهش حاضر، نکته بسیار مهمی از پژوهش‌های اجتماعی در ایران مورد توجه نویسنده این مقاله قرار گرفت و این امر انگیزه‌ای شد که مقاله‌ای تحت عنوان «چگونه حداکثر واریانس را ایجاد کنیم» بنویسم. این مقاله بر این مبناست که به علت فقدان پیشینه قوی پژوهش‌های اجتماعی و تحقیقات بنیادی، بسیاری از متغیرهای اجتماعی در ایران استاندارد شده نیستند و پژوهشگران در تحقیقات بر حسب سلیقه و تجربیات خود متغیرهایی را بر می‌گزینند که منعکس‌کننده واقعیت اجتماعی مورد نظر نیست.

یکی از معیارهای مهم در استاندارد بودن هر متغیر، به ویژه متغیرهایی که تصورات و گرایش‌ها را اندازه‌گیری می‌کند، نرمال بودن توزیع آن‌هاست، و این که در این متغیرها تمرکز گرایش نمی‌تواند بر یک بخش از طیف متمرکز باشد و اگر چنین شد، واریانس حقیقی موجود میان اعضای جامعه آماری به خوبی اندازه‌گیری و تفسیر نمی‌شود. در حقیقت، پژوهش جامعه‌شناسی تحقق نمی‌یابد.

برای مثال: اگر مردم یک کشور نسبت به

حکومت خود عموماً خوشبین و طرفدار آن باشند و مردم کشور دیگر، بر عکس و ملت کشور سوم از این جهت متعادل باشند، در این صورت با یک طیف معین نمی‌توان تفاوت نگرش‌های مردمان این سه کشور فرضی را در سه تحقیق جداگانه، نسبت به حکومت‌هایشان سنجید؛ زیرا طیفی که برای کشور سوم مناسب است، برای دو کشور دیگر مفید نیست، بلکه برای دو کشور اخیر باید طیف را از جهت موافقت یا مخالفت به گونه‌ای بسط داد که توزیع پاسخگویان به صورت طبیعی و نرمال (البته در جهت موافقت یا مخالفت بسط یافته) درآید، در غیر این صورت واریانس تفاوت‌ها چنان که شایسته یک تحقیق جامعه‌شناسانه است، نمایان نخواهد شد.

پژوهش آقای رفیع‌پور از این جهت فاقد اعتبار است، زیرا توزیع نمراتی که برای اندازه‌گیری میزان گرایش پاسخگویان به جهاد به دست آورده است بسیار غیر طبیعی می‌نماید. اگر فاصله حداقل گرایش (نمره ۷) و حداکثر گرایش (نمره ۲۱) را در نظر بگیریم، حدود ۲۸ درصد پاسخگویان حداکثر گرایش را دارا بوده‌اند و ۷۵ درصد آن نمراتی بالای ۱۷ داشته‌اند! (شکل الف) در حالی که طیف‌های اندازه‌گیری‌کننده گرایش‌ها باید به گونه‌ای طراحی می‌شدند که از جهت موافقت و گرایش به جهاد



بسط پیدا می‌کردند. به عبارت دیگر، به سوی شدیداً موافق پیش می‌رفتند، تا در نهایت فراوانی آنان کم شود و توزیع به صورت طبیعی در آید. (شکل ب)

یکی از مهمترین دلایلی که اکثر متغیرها در این پژوهش، بر خلاف انتظار معقول، رابطه‌ی معنی‌داری با گرایش به جهاد نشان ندادند، همین اشکال و نقص است. در حقیقت، واریانس قابل توجهی که مبین اختلافات واقعی میان افراد باشد، در متغیر وابسته وجود ندارد.

۲-۲- وابسته بودن متغیر مستقل

تجدید مرز میان متغیر مستقل و وابسته در پژوهش‌های پیمایشی بسیار اساسی است. به عبارت دیگر، متغیرهای مستقل و وابسته باید کاملاً جداگانه از یکدیگر تعریف شوند و هیچ‌گاه نباید متغیر وابسته را از روی متغیر مستقل تعریف کرد (و برعکس). زیرا در این صورت هنگام اندازه‌گیری روابط میان متغیرها (به ویژه در روش رگرسیون) بخش اعظم واریانس متغیر وابسته به وسیله متغیر مستقلی تفسیر می‌شود که قبلاً و به شکلی، از روی یک دیگر ساخته یا به هم مربوط می‌شده‌اند.

به عنوان مثال: اگر بخواهیم دیدگاه افراد جامعه‌ای را نسبت به عملکرد حکومت آن جامعه تحلیل و تفسیر کنیم، در این صورت چگونه می‌توان متغیر مستقلی را تحت عنوان دیدگاه مردم نسبت به رهبری آن جامعه، به عنوان متغیر مستقل، وارد تحقیق کرد؟ بدیهی است که متغیر وابسته ما (دیدگاه نسبت به حکومت) در مثال حاضر تقریباً (و نه کاملاً تحقیقاً) همان متغیر به اصطلاح مستقل اخیر (دیدگاه نسبت به رهبری حکومت) است و این دو متغیر در حقیقت قریب به یک مضمون را بیان می‌کنند.

آقای رفیع‌پور در پژوهش حاضر، دقیقاً همین خطا را انجام داده‌اند و ضمن آن که گرایش به جهاد سازندگی را اندازه گرفته‌اند (به عنوان متغیر وابسته) رضایت از شخص جهادگر را به عنوان متغیر مستقل نیز وارد معادلات کرده‌اند و عجیب این که در یک روش بکاربرده برای «سنجش گرایش



روستائیان به جهاد سازندگی» عموم سؤال‌های مطرح شده مربوط به سنجش گرایش و نظرات پاسخگویان به شخص جهادگر است! (ص، ۹۸) و این عمل را «مصادره به مطلوب» گویند که متأسفانه این مشکل در تحقیق قبلی ایشان هم تحت عنوان «جامعه روستائی و نیازهای آن» وجود داشت. این امر در حالتی رخ داده است که ایشان اذعان داشته‌اند از آن جا که روستاهایی که در آن‌ها جهاد فعالیت نداشته یا کمتر از دو فعالیت داشته و برای مردم ملموس نبود و جهادگر حضور نداشته، آن‌ها را از نمونه خود حذف کرده‌اند. (ص، ۶۵)

نتیجه این خطای واضح در جدول ۵۷ تا ۶۰ نمودار شده است که در تمام این جدول رگرسیونی ضریب پتانسیل رضایت از جهادگر و امارة F آن در تبیین گرایش روستائیان به جهاد گرایش بسیار بالا است، در حالی که متغیرهای دیگر اصولاً حضور چندانی ندارند.

از نظر تئوریک و روش تحقیق، بروز این اشتباه مطلقاً قابل قبول نیست. زیرا، تصور روستائیان نسبت به جهاد سازندگی امری انتزاعی است که عموماً از خلال روابط آن‌ها با شخص جهادگر شکل می‌گیرد و با آن همسانی دارد و اگر چنین روابطی وجود نداشته باشد این تصور شکل نمی‌گیرد. همچنان که ۵۸ نفر از پاسخگویان چون با جهاد تماس نداشته‌اند، از جواب دادن به گویه‌های ارزیابی سنجش ناتوان بوده‌اند.

به‌طور کلی، مردم روستاهای کنونی ما چندان قادر به انتزاع مفاهیم، مستقل از تجربه بلاواسطه

خود نیستند. حتا به قول مرحوم دکتر علی اسدی این امر در کشورهای کمتر توسعه یافته هم عمومیت دارد که مردم به موضوعاتی علاقه نشان می‌دهند که با تجربه بلاواسطه آن‌ها مرتبط یعنی ملموس، باشد؛ در حالی که در جوامع توسعه یافته این موضوع‌ها می‌تواند انتزاعی‌تر باشد. بدیهی است به همین نسبت در روستاها افکار عمومی و نظر مردم کلاً به امور ملموس عنایت دارد، و مفهوم انتزاعی جهاد سازندگی هم از نظر آنان چیزی جز شخص جهادگر نیست. همچنان که نویسنده نوشته‌اند: از آن جا که جهادگر نماینده جهاد است، پس می‌توان این ارزیابی مثبت را (از وی) در حد زیادی به جهاد سازندگی تعمیم داد. (ص، ۱۰۷) با این حال معلوم نیست چرا این ارزیابی را به عنوان متغیر مستقل وارد معادلات کرده‌اند؟

ممکن است پرسیده شود پس چگونه می‌توان شخص جهادگر را به عنوان متغیری مستقل وارد روابط و معادلات کرد؟ پاسخ این است که ویژگی‌های این اشخاص را باید مستقل از نظرهای روستائیان به دست آورد و به عنوان متغیر مستقل وارد روابط رگرسیونی کرد. اگر چنین کاری سخت و ناشدنی است، نمی‌توان بجای آن تصورات روستائیان را نسبت به جهادگر جایگزین کرد زیرا این تصور همان نگرش نسبت به جهاد است.

در صورتی که متغیر به ظاهر مستقل مذکور را از جدول ۵۷ تا ۶۰ فصل چهارم حذف کنیم، باقیمانده چندان نتایج قابل تفسیری نخواهد داشت.

به غیر از دو اشکال اساسی که بر پژوهش مذکور وارد است، نکات دیگری هم وجود دارد که پرداختن به آن‌ها خالی از قایده نیست.

الف: محقق محترم، علی‌رغم مطالب عنوان شده در نقد «شروع خوب، پایانی بد» باز هم جدول رگرسیونی را با حضور ۳۳ تا ۳۴ متغیر محاسبه و ارائه کرده است که عموماً هم فاقد حضور معنی‌داری هستند و این کار اگر چه سبب بالا رفتن R² تفسیر شده می‌شوند، ولی سبب پائین آمدن R² اصلاح شده می‌گردند. به عنوان مثال، جدول ۵۹

دارای $R_2=0/71$ و $R_2=0/51$ می‌باشند ولی R_2 اصلاح شده آن که همان واریانس حقیقی تفسیر شده است، برابر صفر می‌باشد. به عبارت دیگر، جدول مذکور فاقد اعتبار و روابط معنادار است.

همچنین در جداول رگرسیونی مذکور معلوم نیست چرا تعداد آزمودنی‌ها به شدت کاهش پیدا کرده است. مثلاً از ۴۴۷ نفر که گرایش خود را اظهار کرده‌اند، در جدول ۵۷ تنها ۲۲۶ نفر حضور دارند و از ۱۶۸ نفر جدول ۵۸ تنها ۷۲ نفر و از ۱۲۸ نفر جدول ۵۹ نیز ۶۴ نفر و از ۲۴۲ نفر جدول ۶۰ تنها ۹۰ نفر در معادله حضور دارند و کاهش این چینی در تعداد آزمودنی‌ها به لحاظ روش تحقیق مورد سوال جدی است و باید توضیح داد که حذف شده‌ها چه کسانی بوده‌اند و چرا؟ آیا این تعداد حذف در نتایج حاصل آریبی ایجاد نمی‌کند؟ گر چه با توجه به ایشکالات مطرح شده قبلی، نتیجه‌ای باقی نمانده است که در آن آریبی حاصل شود.

قابل ذکر است که محقق محترم بر خلاف پژوهش قبلی، این بار از آزمون‌های مرتبیطی برای تعیین روابط میان انواع متغیرها استفاده کرده‌اند.

ب: متأسفانه در این پژوهش هم، مشکل نمونه‌گیری خود را نشان داده است. محقق محترم متذکر شده‌اند، روستاهائی را برگزیده‌اند که حداقل حدود ۵۰ خانوار و به ندرت کمی کمتر (۴۰ خانوار) و حداکثر ۵۰۰ خانوار داشته باشند. (ص، ۶۳) با توجه به این که متوسط تعداد خانوار حدود ۵/۴ نفر است، پس جمعیت روستاهای مذکور باید حداقل ۲۱۶ نفر باشند، در حالی که در لیست اعلام شده در صفحات ۶۸ و ۶۹ جمعیت سرشماری شده اکثر روستاها، کمتر از این تعداد است.

● یکی از معیارهای مهم در استاندارد بودن هر متغیر، به ویژه متغیرهایی که تصورات و گرایش‌ها را اندازه‌گیری می‌کند، نرمال بودن توزیع آن‌هاست.

به علاوه آن که در حدود ۱۰ روستا از ۷۰ روستای انتخابی، جهاد سازندگی تنها یک پروژه

انجام داده است که این امر خلاف اظهار نظرات مندرج در صفحات ۶۶ و ۶۷ نویسنده در زمینه نمونه‌گیری است که آن را تنها شامل روستائی دانسته که حداقل دو فعالیت از سوی جهاد در آن انجام شده است و معلوم نیست اگر در حین نمونه‌گیری روستاهائی که کمتر از دو فعالیت داشته‌اند، حذف شده‌اند (ص، ۶۷) پس چگونه در ادامه وارد نمونه‌گیری شده‌اند! (صص، ۶۸-۶۹)

ج: محقق محترم، در مواردی نکاتی را ذکر کرده‌اند که به لحاظ آماری و روش تحقیق، اصولاً فاقد معنا و مفهوم بوده و غلط هستند از جمله:

«به منظور صرفه‌جویی در محاسبات کامپیوتری و همچنین صرفه‌جویی زمانی در هنگام نتیجه‌گیری و تدوین گزارش، تمام متغیرهای مورد محاسبه مشخص شده‌اند و پس از تعیین مقیاس هر یک از آن‌ها، نوع محاسبه و آزمون آماری برای هر دو متغیر مورد نظر در فرضیه‌ها تعیین شد. به منظور انجام محاسبات آماری و داشتن شرایط این محاسبات متغیرها استاندارد دیزه شدند تا توزیع فراوانی آن‌ها نزدیک به نرمال شوند تا از این طریق شرط محاسبه همبستگی پیرسون فراهم آید» (صص، ۷۴-۷۵).

اصولاً چه ربطی میان مشخص کردن متغیرهای مورد محاسبه و صرفه‌جویی در محاسبات کامپیوتری وجود دارد؟ یا چه ارتباطی میان استاندارد دیزه کردن متغیرها (احتمالاً به معنی تبدیل به میانگین صفر و انحراف معیار یک) و نزدیک شدن توزیع فراوانی‌ها به نرمال وجود دارد؛ که البته از عهده درک نویسنده این سطور خارج است.

د: نویسنده چنان از مسائل روش تحقیق سخن می‌گوید که از گاهی کوهی ساخته می‌شود. توجه کنید:

«بدین منظور ابتدا پرسشنامه‌ها شماره‌گذاری و یک برنامه‌کد برای آن‌ها تهیه شد که بر اساس آن پاسخ‌های هر پاسخگو تبدیل به عدد (کد) و آن عدد وارد ستون و سطر مربوط در برگه پیش‌نویس می‌شد. این کار بسیار خسته‌کننده، به علت آماده

ساختن قبلی پرسشنامه در زمان نسبتاً کوتاه یعنی در طول سه هفته انجام گرفت، و سپس در آخرین روز (کاری) اسفند ماه برای انتقال بر روی نوارهای کامپیوتری به مرکز کامپیوتر داده شد.

به موازات عناوین سوالات و متغیرها (Variable labels) و عناوین پاسخ‌ها (Value labels) تهیه و به کامپیوتر منتقل شد. سپس یک نسخه از داده‌های تایپ شده، چاپ (Print) شد تا با داده‌های اصلی مطابقت و اشتباهات احتمالی پیدا شوند. در این مرحله که بسیار وقت‌گیر بود، متأسفانه

● اصولاً چه ربطی میان مشخص کردن متغیرهای مورد محاسبه و صرفه‌جویی در محاسبات کامپیوتری وجود دارند؟ یا چه ارتباطی میان استاندارد دیزه کردن متغیرها و نزدیک شدن توزیع فراوانی‌ها به نرمال وجود دارد؟

تعداد زیادی اشتباه که بالاخص هنگام انتقال اطلاعات از پرسشنامه بر روی برگه‌های پیش‌نویس کامپیوتر و سپس کامپیوتر رخ داده بود (و علت آن خسته‌کننده بودن کار بود) یافته و اصلاح شد.» (ص، ۷۴)

ساده‌ترین و پیش پا افتاده‌ترین کار تحقیق همین کدگذاری است. حال چگونه آقایان از این کار بسیار ساده خسته شده‌اند که در نتیجه، تعداد زیادی اشتباه کرده‌اند که بعداً آن‌ها را یافته‌اند؟ کسانی که در کوه و کمر و روستاهای خراسان تا فارس کام زده‌اند تا نظر روستائیان معمولاً بد قلیق را دریابند، چگونه در کنار شوقاژ و هوای فرح‌بخش ولنجک از کدگذاری خسته شده‌اند، به نحوی که بسیاری از اطلاعات را غلط ثبت کرده‌اند. خدا می‌داند.

ه: در اندازه‌گیری متغیرها محقق محترم

زحمات زیادی را می‌کشند که عموماً هم بی فایده است. مثلاً هیچ رابطه‌ای میان آگاهی، شامل معرف‌های سواد پاسخگو، سواد همسر، سواد فرزند، اطلاعات عمومی و غیره با گرایش پاسخگو به جهاد وجود ندارد. این امر قاعدتاً به لحاظ نظری

قابل توجه نیست مگر آن که بگونه‌های متغیرهای ربط داده شده به یکدیگر، چندان واقعی و معتبر نیستند. لذا تقریباً عموم متغیرهای اندازه‌گیری شده (به غیر از رضایت از جهادگر که در واقع وابسته است) با متغیر وابسته رابطه چندانی از خود نشان نمی‌دهند.

به دلیل مخدوش بودن روش تحقیق و اندازه‌گیری متغیرها است که نتایج عجیب و غریبی هم به دست آمده است؛ از جمله این که: «این رابطه (میزان فعالیت جهاد در یک روستا با گرایش مردم آن جا به جهاد) حاکی از آن است که فعالیت بیشتر جهاد در روستاها تا آن حد که انتظار می‌رود، تأثیر زیادی بر روی گرایش روستائیان نسبت به جهاد نداشته است!» (ص، ۱۵۸) و حتی از جدول صفحه ۱۵۹ کتاب استنباط می‌شود که جهاد سازندگی هر چه فعالیتش را در اصفهان کمتر کند، محبوبتر می‌شود! و این یعنی نفرت از جهاد. در این صورت چگونه می‌توان این نفرت را با آن همه گرایش مثبت به جهاد تفسیر کرد؟!؟

و: متأسفانه، محقق محترم در بسیاری از موارد به روابط فاقد معنی متغیرها استناد کرده‌اند. از جمله، در جدول ۵۰ که هیچ رابطه معناداری (به غیر از یک مورد) به لحاظ معیارهای پژوهشی (بالای ۹۵ درصد معناداری) وجود ندارد را مورد بحث قرار داده و از آن روابط فاقد معنی، دستورالعمل‌های اجرایی به شرح زیر استنتاج کرده‌اند که: حال مسئولان جهاد خود می‌توانند بر اساس این جدول تأثیر انواع پروژه‌ها را در شرایط کنونی آن روستاها بر روی گرایش روستائیان پاسخگو نسبت به جهاد

ملاحظه نمایند. (ص، ۱۶۲) جالب این جاست، ساخت پروژه‌های که در کل روستاهای مورد مطالعه تأثیر مثبت و معناداری بر گرایش به جهاد سازندگی داشته است (ابرسانی) وقتی که به تفکیک، بر حسب سه استان مطرح می‌شود، فاقد تأثیر مثبت و معنادار است!! به عبارت دیگر، سیاستگزاری جهاد کل، برای این سه استان، باید مبتنی بر اجرای پروژه‌های ابرسانی باشد، در حالی که در خود استان، هیچ کدام نباید از این سیاست تبعیت کنند.

ز: محقق محترم، هنوز هم برداشت صحیحی از جدول رگرسیون ندارد. ایشان R² را برابر میزان واریانس تفسیر شده، دانسته‌اند (ص، ۱۷۷) یا این که متغیرها به ترتیب تأثیرشان بر روی گرایش وارد معادله می‌شوند. (ص، ۱۷۶) در حالی که هر دوی این موارد غلط است. (برای اجتناب از طولانی شدن مطلب می‌توانید به کتاب راهنمای Spss بخش رگرسیون مراجعه نمایید). همچنین در تفسیر F مربوط به جدول رگرسیون نیز برداشت اشتباه دارند.

از سوی دیگر، اظهار نظر نسبت به نتایج تحلیل باید بر حسب نتایج جدول رگرسیون باشد، در حالی که نویسنده تحقیق، یاد آور می‌شود که: «میزان وقوف به فعالیت‌های جهاد بر روی گرایش بسیار مؤثر است. آن‌هایی که از فعالیت‌های جهاد اطلاع بیشتری داشتند، جهاد را مثبت‌تر ارزیابی کردند» (ص، ۲۰۲) مطلقاً غلط است و در جدول رگرسیون چنین امری مشاهده نمی‌شود و معلوم نیست محقق محترم آن را از کجا آورده است؟
ح: صدور احکام کلی و بی دلیل در کتاب،

همچون پژوهش قبلی حکایت از قضاوت‌های عجولانه دارد:

«روستائیان در کنار کارمندان از گروه‌هایی هستند که بیشترین آسیب را از توژم می‌بینند، زیرا که قیمت محصولات کشاورزی آن‌ها در مقابل دیگر کالاهای مورد نیاز آن‌ها به نسبت بسیار کمتر افزایش می‌یابد و قدرت خرید آن‌ها همواره در حال کاهش است» (ص، ۲۰۹)

معلوم نیست این حکم کلی از کجا صادر شده است؟ و بر اساس کدام آمار و اطلاعات بدست آمده است. این در حالی است که آمار و اطلاعات در این زمینه به وفور یافت می‌شود و چه خوب بود نویسنده محترم با قدری زحمت، شاخص‌های قیمت‌های محصولات کشاورزی را با کالاهای دیگر و نیز شاخص درآمد روستائیان را با کارمندان مقایسه می‌کردند تا حکم خود را مستند نمایند.

این پژوهش نیز نشان داد که چند ضعف اساسی همچنان بر پژوهش‌های اجتماعی این مرز و بوم حاکم است.

الف: فقدان بنیان‌های قوی تحقیقاتی از خلال سازمان‌های تحقیقاتی و همفکری و همکاری با یکدیگر؛

ب: ضعف آگاهی از روش‌های جامعه‌شناختی به ویژه روش‌های نوین آن؛

ج: ضعف تحقیقات بنیادی به عنوان پایه تحقیقات کاربردی. ■

۱) نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دوره جدید، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۰.

گالری رضا

سیستم‌های سانترال فاکس

تلفن بی سیم، لوازم جانبی موبایل

پاناسونیک، سونی، نوکیا، اریکسون

آدرس: تهران، خیابان جمهوری،

روبه روی ساختمان آلومینیوم، پلاک ۱۸۲

تلفن: ۶۴۹۹۷۱۶-۶۷۷۲۱۹

موبایل: ۰۹۱۱۲۱۷۶۰۲۶

بعد چهارم

آماده‌آرانه کلیه فعالیت‌های تبلیغاتی

و ارتباطاتی

نشانی: کارگر شمالی، خیابان نصرت،

خیابان باغ‌نو، کوچه مهنا، پلاک ۲۶

تلفن: ۶۴۳۹۵۷۲

گیهان رایانه گلبرگ

نرم افزار- سخت افزار

ساخت

توزیع انواع سیستم‌های کامپیوتری

نصب و راه‌اندازی انواع شبکه‌های کامپیوتری

توزیع و تعمیر انواع مانیتور و پرینتر

آدرس: نارمک، گلبرگ شرقی، پلاک ۳۰

تلفکس: ۷۰۳۸۲۲